

شرکت‌های تعاونی

دکتر بهزاد نجفی

دکتر داروساز و کارشناس مسایل حقوقی

۱۳۴۷ به‌طور روشن مرجع اصلی قوانین ناظر بر این نوع از شرکت‌ها محسوب می‌شود لیکن در مورد شرکت‌های تعاونی این شفافیت قانونی لازم حتی در رابطه با این که کدام قانون حاکم است وجود ندارد و این موضوع در نحوه اداره شرکت‌های تعاونی که جنبه فراگیر داشته و طیف وسیعی از اقشار مردم با زمینه‌های تحصیلی و کاری مختلف را پوشش می‌دهد اخلال ایجاد کرده است.

در حال حاضر حتی در مجموعه‌های قوانین تجاری که توسط برخی از نهادهای حقوقی رسمی و دولتی کشور منتشر می‌شود قوانین مشروحه ذیل به‌عنوان قوانین جاری ناظر بر بخش تعاونی درج شده‌اند در صورتی که اکثر مقررات این سه قانون

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام اقتصادی کشور را بر پایه سه بخش دولتی تعاونی و خصوصی استوار دانسته است.

در فصل‌های قبلی مباحث حقوقی مربوط به شرکت‌های سهامی که نقش غالب در فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و حتی بخش دولتی دارند هم‌چنین شرکت‌های با مسؤولیت محدود مورد اشاره قرار گرفت.

در این بخش مباحث حقوقی مربوط به شرکت‌های تعاونی خصوصاً در رابطه با اداره شرکت‌های مزبور مورد توجه قرار خواهند گرفت. اگرچه در مورد شرکت‌های سهامی «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مصوب

با یکدیگر مغایرت دارد.

■ مواد ۱۹۰ لغایت ۱۹۴ قانون تجارت (مبحث هفتم - شرکتهای تعاونی تولید و مصرف)

■ قانون شرکتهای تعاونی (مشمول بر ۱۴۹ ماده) مصوب ۱۳۵۰

■ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مشمول بر ۷۱ ماده) مصوب ۱۳۷۰

مشکل اصلی از آنجا ناشی می‌شود که اگرچه از تأخر زمانی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران علی‌القاعده می‌توان اعتبار این قانون نسبت به قوانین گذشته را استنباط کرد لیکن در این قانون فسخ قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۷۰ به صراحت بیان نشده است و صرفاً در ماده ۷۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد آمده است:

«کلیه قوانین و مقررات مغایر این قانون ملغی است.»

ولی در ماده ۱۴۸ قانون شرکتهای تعاونی (۱۳۵۰) آمده است:

«کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی است و در قوانین بعدی نیز فسخ یا اصلاح مواد و مقررات این قانون باید صریحاً قید شود.»

لذا از لحاظ حقوقی با توجه به عبارت اخیر ماده ۱۴۸، اعتبار قانون بخش تعاونی اقتصاد (۱۳۷۰) و فسخ کلی یل جزیی قانون شرکتهای تعاونی (۱۳۵۰) مورد تردید است.

انتظار می‌رود مراجع رسمی کشور از جمله مجلس شورای اسلامی و اداره کل قوانین و مقررات کل کشور با تفسیر قانونی لازم از این دو قانون، قانون حاکم بر بخش تعاونی کشور را صراحتاً اعلام دارند و سپس برای رفع ابهام از کلیه اشخاص ذیربط

خصوصاً اعضای شرکتهای تعاونی و مدیران آنها با ویرایش حقوقی از مجموعه قوانین کشور، کلیه قوانین منسوخه را حذف نمایند.

نظریه مجلس (ماده واحده: با توجه به ماده ۱۴۸ قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰ ماده ۱۷۳ قانون مالیاتهای مستقیم ناسخ ماده ۱۱۱ قانون شرکتهای تعاونی نمی‌باشد).

در تهیه مباحث مربوط به اداره شرکتهای تعاونی، نگارنده فرض را بر اعتبار قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰) گذاشته است. اگرچه در مورد بعضی از مباحث مهم به مقررات قانون شرکتهای تعاونی (۱۳۵۰) نیز به‌عنوان مقایسه اشاره خواهد شد.

یکی از موضوعات اساسی در رابطه با شرکتهای تعاونی، تفکیکی این‌گونه شرکتهای تعاونی تفکیکی این‌گونه شرکتهای بسیار شرکتهای تجاری است.

طبق ماده ۲۰ قانون تجارت، شرکتهای تعاونی یکی از اقسام هفت‌گانه شرکتهای تجاری عبارتند از: شرکت سهامی، شرکت با مسؤلیت محدود شرکت تضامنی، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت نسبی و شرکت تعاونی تولید و مصرف.

مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون تجارت نیز هر یک از شرکتهای تعاونی تولید و مصرف را تعریف کرده است.

ماده ۲ قانون شرکتهای تعاونی (۱۳۵۰) آمده است:

«شرکت تعاونی شرکتی است که از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای

نوع تعاونی تولید و تعاونی مصرف طبقه‌بندی شده بودند، لیکن در قانون شرکت‌های تعاونی (۱۳۵۰) ماده ۱۸، شرکت‌های تعاونی را به شرح ذیل طبقه‌بندی کرده است:

■ رشته کشاورزی، شامل تعاونی‌های کشاورزی و روستایی

■ رشته مصرف، شامل تعاونی‌های مصرف‌کنندگان مسکن، اعتبار و آموزشگاه‌ها

■ رشته کار و پیشه، شامل تعاونی‌های کار تعاونی‌های حرفه و صنایع دستی، تعاونی‌های

صنایع کوچک، تعاونی‌های تهیه و توزیع تعاونی‌های مشاغل آزاد و تعاونی‌های صیادان، لیکن قانون بخش تعاونی اقتصاد (۱۳۷۰) بدون ارایه طبقه‌بندی مشخص، تعاونی‌ها را به دو نوع زیر طبقه‌بندی کرده است:

■ تعاونی تولید، شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری پرورش و صیدماهی، شیلات، صنعت، معدن عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر این‌ها فعالیت می‌نمایند. (ماده ۲۶)

■ تعاونی توزیع، شامل تعاونی‌هایی که نیاز مشاغل تولیدی و یا مصرف‌کنندگان عضو خود را در چارچوب مصالح عمومی و به منظور کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها تامین می‌نمایند (ماده ۲۷).

طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون بخش تعاونی، نخستین گام برای تشکیل تعاونی تهیه «طرح توجیهی» است.

در طرح توجیهی باید ضرورت تاسیس شرکت تعاونی و ارایه دلایل توجیهی مبنی بر تناسب هدف‌های تشکیل شرکت با هدف‌ها و برنامه‌های

مشترک و بهبود وضع اقتصادی اجتماعی اعضا از طریق خود یاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود.»

در ماده ۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد (۱۳۷۰) تعریف مشخصی از شرکت تعاونی ارایه نشده است و صرفاً این عبارت درج شده است:

«شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند.»

یکی از شاخص‌های تشخیص یک شرکت تعاونی اساسنامه آن است در ماده ۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد (۱۳۷۰) آمده است:

«اساسنامه هر یک از تعاونی‌ها باید با رعایت مقررات این قانون شامل نکات زیر باشد. نام با قید کلمه تعاونی، هدف، موضوع، نوع، حوزه عملیات مدت، مرکز اصلی عملیات و نشانی، میزان سرمایه مقررات مربوط به عضو، ارکان، مقررات مالی و کار انحلال و تصفیه.

تبصره: تابعیت تعاونی‌ها باید ایرانی باشد.»
اکثر موضوعات فوق‌الذکر در اساسنامه سایر اقسام شرکت‌های تجاری نیز درج می‌شود و لذا تنها ملاک تفکیک یک شرکت تعاونی از سایر شرکت‌های تجاری، لزوم درج کلمه «تعاونی» در عنوان شرکت می‌باشد.

همین ملاک قبلاً در ماده ۲۲ قانون شرکت‌های تعاونی (۱۳۵۰) نیز به‌عنوان شرط ضروری برای درج در اساسنامه شرکت‌های تعاونی قید شده بود.

طبق قانون تجارت، شرکت‌های تعاونی به دو

مصوب جمهوری اسلامی ایران همچنین ذکر میزان سرمایه ثابت و در گردش مورد نیاز طرح تشریح شود.

هیات موسس شرکت تعاونی باید به غیر از «طرح توجیهی» مشخصات و تعداد داوطلبان تاسیس شرکت، سوابق و مهارت‌های آن‌ها در رشته مورد نظر را به همراه تقاضانامه‌ای تسلیم وزارت تعاون نمایند.

تبصره ماه ۲ مقرر کرده است:

«شرکت تعاونی تولیدی یا توزیعی علاوه بر گرفتن مجوز تشکیل از وزارت تعاون، برای انجام فعالیت حسب قوانین و مقررات موظف به گرفتن مجوز لازم از دستگاه‌های ذیربط نیز می‌باشند.»

در این تبصره ابهام وجود دارد، زیرا تقدم و تاخر زمانی برای اخذ مجوز از وزارت تعاون و سایر دستگاه‌های دولتی را روشن نکرده است.

ماده ۴ آیین‌نامه فوق‌الذکر وزارت تعاون را مکلف کرده است ظرف مدت یک ماه بعد از دریافت طرح توجیهی و مدارک لازم دیگر، اعلام نظر کند.

چنانچه وزارت تعاون مجوز تشکیل شرکت تعاونی را صادر کرد، هیات موسس موظف است ظرف دو ماه به تشکیل مجمع عمومی اقدام کند.

در صورت اتمام این مهلت تشکیل شرکت تعاونی منوط به اخذ مجوز مجدد از وزارت تعاون خواهد بود.

طبق ماده ۵۱ قانون بخش تعاونی هیات موسس شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون پس از اخذ مجوز فوق‌الذکر باید مدارک مشروحه ذیل را برای ثبت و تشکیل ارائه دهند.

■ صورت جلسه مجمع موسس و صورت جلسه

اول مجمع عمومی و اساسی اعضای هیات مدیره و بازرسان منتخب مجمع عمومی.

■ اساسنامه مصوب مجمع عمومی

■ درخواست کتبی ثبت شرکت

■ طرح توجیهی و مجوز اخذ شده از وزارت تعاون

■ گواهی میزان سرمایه پرداخت شده

■ گواهی دعوتنامه مجمع موسس از افراد واجد شرایط برای عضویت در مجمع عمومی

ماده ۶ قانون بخش تعاونی، حداقل اعضا برای تشکیل یک شرکت تعاونی را ۷ نفر تعیین کرده است.

ماده ۸ همین قانون، عضویت در شرکت تعاونی را محدود به اشخاص حقیقی کرده است و در مورد تعاونی‌های تولید، عضو باید در زمینه موضوع همان تعاونی اشتغال داشته باشد. ولی در مورد تعاونی‌های چندمنظوره، این شرط لغو شده است لذا اعضا می‌توانند غیرشاغل باشند.

ایراد دوم به ماده ۸، محدود کردن عضویت در شرکت‌های تعاونی به اشخاص حقیقی است

قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ در ماده ۲ آمده بود:

«شرکت تعاونی، شرکتی است که از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود.»

به نظر نویسنده تعریف فوق از شرکت تعاونی و تعمیم عضویت به اشخاص حقوقی با اهداف

خواهد شد. مضافاً این که شرط مزبور با اهداف تعاونی‌ها سازگار نیست.

به غیر از شروط فوق رای اعضای متخصص تبصره ۲ ماده ۱۲ شرط سنگین دیگری برای استفاده از حق خروج از تعاونی‌ها در نظر گرفته است که به شرح زیر است:

«در صورتی که خروج عضو موجب ضرری برای تعاونی باشد وی ملزم به جبران است.»

این شرط نیز بسیار مبهم و کلی است. طبق قواعد حقوقی برای استقرار مسؤلیت، باید رابطه سببیت احراز شود و چنانچه یک عضو از یک شرکت تعاونی خارج شود نمی‌توان ضرورت‌های آتی تعاونی را به خروج وی منتسب کرد و احراز این رابطه سببیت نیز بسیار مشکل است. خصوصاً این که با توجه به ماهیت فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی بروز این وضعیت بعید به نظر می‌رسد.

ماده ۱۴ قانون بخش تعاونی راهکار پیچیده‌ای برای انتقال حقوق عضو شرکت تعاونی به ورثه او در صورت فوت پیش‌بینی کرده است به طوری که یک عضو تعاونی چنانچه دارای چندین ورثه باشد به تعداد آن‌ها یک سهم وی چندین برابر می‌شود و این موضوع حق سایر اعضای تعاونی را پایمال خواهد کرد. مضافاً این که مقررات ماده ۱۴ با مقررات عمومی مربوط به ارث مندرج در قانون مدنی مغایرت دارد.

تبصره ماده ۱۵ قانون بخش تعاونی نیز حکم عجیبی مقرر کرده است که به شرح ذیل می‌باشد:

«در صورتی که ورثه تقاضا نماید که سهم عضو متوفی از عین اموال تعاونی پرداخت شود و

تعاونی‌ها نزدیک‌تر است و نیازهای صنوف تولیدی و توزیعی را بیشتر تامین می‌کند.

ماده ۹ قانون بخش تعاونی، شرایط عمومی عضویت در شرکت‌های تعاونی را به شرح ذیل اعلام کرده است:

■ تابعیت جمهوری اسلامی ایران

■ عدم ممنوعیت قانونی و حجر و ورشکستگی به تقصیر

■ عدم سابقه ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری

■ درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی

■ عدم عضویت در تعاونی مشابه

به نظر می‌رسد که ردیف ۴ را نمی‌توان شرایط عضویت تلقی کرد و این ردیف جزو تشریفات مربوط به عضویت باشد. همچنین برخی دیگر از شرایط اساسی عضویت، همچون شرط سنی و عدم ورشکستگی به تقلب فراموش شده است.

در زمینه خروج اعضا از شرکت تعاونی نیز مقررات قانون بخش تعاونی دارای ابهامات و نقایصی است زیرا در ماده ۱۲ قانون مزبور، خروج اعضا از تعاونی را آزاد و اختیاری تعیین کرده است. مگر در مورد اعضای متخصص تعاونی‌های تولید که باید حداقل شش ماه قبل این فرد استعفا خود را کتباً اعلام دارند.

اولاً این قانون تعریف مشخصی از اعضای متخصص ارایه نکرده است و این شرط در اجرا موجب اختلاف نظر و تفاسیر متفاوت خواهد شد.

ثانیاً این شرط محدودیت زیادی برای افراد متخصص عضو تعاونی ایجاد کرده است و موجب بی‌رغبتی این گروه از افراد به عضویت در تعاونی‌ها

ترازی یا مصالحه ممکن نباشد. چنانچه عین قابل و گذاری بوده و موجب اخلال و ضرر فاحش به اعضا و تعاونی نگردد آن قسمت از مطالبات تسلیم ورثه می‌گردد.»

اهداف از درج این تبصره برای نویسنده مشخص نیست ولی آنچه این تبصره به دنبال دارد ایجاد زمینه‌های متعدد بروز دعاوی حقوقی ورثه اعضای تعاونی‌ها علیه شرکت‌های تعاونی و درگیر شدن این شرکت‌ها به مسایل حاشیه‌ای است. لذا به نظر می‌رسد که قانون بخش تعاونی خصوصاً در مورد خروج عضو و حقوق ورثه عضو، نیازمند تجدید نظر اساسی باشد.

طبق ماده ۲۱ قانون بخش تعاونی، هر شرکت تعاونی موقع ثبت و تشکیل باید حداقل یک سوم سرمایه را تادیه و در صورتی که بخشی از این سرمایه به صورت جنسی (غیر نقدی) باشد باید تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۸ همین قانون، امکان کمک مالی دستگاه‌های دولتی را تامین بخشی از سرمایه شرکت‌های تعاونی تا حداکثر ۴۹ درصد را پیش‌بینی کرده است. لیکن ماده مزبور حق دستگاه‌های تامین‌کننده منابع مالی از عضویت در شرکت‌های تعاونی سلب کرده است ولی شرکت‌های تعاونی را ملزوم کرده است طی دوره: که با توافق طرفین» تعیین خواهد شد، (معمولاً درازمدت است) کمک‌های مالی دستگاه‌های دولتی را بازپرداخت نمایند.

نویسنده این کتاب از نحوه اجرای ماده فوق توسط دستگاه‌های اجرایی و دولتی بی‌اطلاع است لیکن کلیت موضوع به دلیل غیرشفاف

کردن کانال‌های هزینه کردن منابع دولتی و نحوه بازپرداخت و استفاده‌کنندگان واقعی از این تسهیلات مالی دولتی، مورد ایراد می‌باشد.

چنانچه قانونگذار با درج ماده مزبور قصد کمک به کارکنان سازمان‌های دولتی را دنبال می‌کرد بهتر بود از شیوه‌های دیگر که مستقیماً افراد ذی‌حق منتفع بشوند استفاده می‌شد.

طبق ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی در پایان هر سال مالی از سود خالص شرکت تعاونی مبالغ زیر کسر می‌شود:

■ حداقل ۵ درصد به‌عنوان ذخیره قانونی (بیش از این رقم باید به تصویب مجمع عمومی برسد).

■ حداکثر ۵ درصد به‌عنوان ذخیره احتیاطی (رقم آن باید به تصویب مجمع عمومی برسد).

■ ۴ درصد به‌عنوان حق تعاون و آموزش که باید به صندوق تعاون واریز شود.

■ درصدی به‌عنوان پاداش به اعضا، کارکنان، مدیران و بازرسان که رقم آن را مجمع عمومی تعیین خواهد کرد.

پاداش به اعضا مندرج در این بند مبهم است زیرا اعضای شرکت تعاونی، همان سهامداران آن محسوب می‌شوند پس از کسورات فوق مانده سود خالص به‌عنوان پاداش به اعضا به نظر صحیح نمی‌رسد.

طبق ماده ۲۹ قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۱) ارکان شرکت‌های تعاونی عبارتند از:

■ مجمع عمومی

■ هیات مدیره

■ بازرسی

این ماده همان ارکان شرکت‌های تعاونی که در

ماده ۱۷ قانون شرکت‌های تعاونی (مصوب ۱۳۵۰) تعیین شده بود را مورد پذیرش قرار داده است لیکن بهتر بود به جای «رکن بازرسی» منطبق با مقررات شرکت‌های تجاری، «رکن بازرسی یا بازرسان قانونی» درج گردید.

در شرکت‌های تعاونی نیز همچون شرکت‌های سهامی، عالی‌ترین رکن اداره شرکت، مجمع عمومی می‌باشد. لیکن حدود اختیارات اعضای مجمع عمومی در شرکت‌های تعاونی با شرکت‌های سهامی تفاوت دارد. به این صورت که طبق ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی، اعضای مجمع عمومی یعنی سهامداران شرکت تعاونی بدون در نظر گرفتن میزان سهم هر یک فقط دارای یک رای می‌باشند. در صورتی که در شرکت‌های سهامی سهامداران متناسب با سهامشان دارای حق رای خواهند بود.

در شرکت‌های تعاونی نیز همچون شرکت‌های سهامی، مجمع عمومی به سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

■ مجمع موسس

■ مجمع عمومی عادی

■ مجمع عمومی فوق‌العاده

مجمع موسس در شرکت‌های تعاونی مرکب از افراد واجد شرایط عضویت در شرکت تعاونی مربوط هستند که اقدام به تاسیس تعاونی می‌کنند.

شرایط عضویت در شرکت تعاونی در موارد ۹ و ۸ قانون بخش تعاونی ذکر شده است که در مبحث قبل مورد اشاره قرار گرفت.

طبق ماده ۳۲ بخش قانون بخش تعاونی، وظایف مجمع موسس عبارت است از:

■ تهیه پیش‌نویس اساسنامه

■ دعوت به عضویت در شرکت تعاونی
 ■ تشکیل اولین مجمع عمومی برای تصویب اساسنامه و تعیین اعضای هیات مدیره
 اگرچه مجمع عمومی به‌عنوان عالی‌ترین رکن تصمیم‌گیری شرکت‌های تعاونی و نقش کلیدی در اداره این نوع شرکت‌ها را به عهده دارد لذا ضرورت دارد که مقررات مربوط به حدود وظایف و اختیارات آن به‌طور تفصیل در قانون بیان شود لیکن متأسفانه قانون بخش تعاونی به‌طور بسیار اجمالی به این رکن حساس پرداخته است به‌طوری‌که از ۲۱ ماده قانون بخش تعاونی، فقط سه ماده به مجمع موسس (به‌عنوان رکن تشکیل دهنده شرکت) و دو ماده به مجمع عمومی عادی و دو ماده به مجمع عمومی فوق‌العاده اختصاص یافته است.

در صورتی که در قانون شرکت‌های تعاونی (مصوب ۱۳۵۰) مقررات مربوط به مجمع عمومی خصوصاً در مورد نحوه تشکیل شرکت‌های تعاونی به‌طور مشروح و در ۲۰ ماده مفصل بیان شده است.

قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۱) بعد از بیان مقررات کلی مربوط به مجمع موسس در دو ماده به تشریح مقررات مربوط به مجمع عمومی عادی می‌پردازد.

طبق تبصره ۱، ماده ۳۲ قانون مزبور پس از تشکیل اولین جلسه مجمع عمومی که به دقت مجمع موسس صورت می‌گیرد وظایف مجمع موسس خاتمه می‌یابد. در اولین جلسه مجمع عمومی عادی صورت می‌گیرد.

طبق ماده ۳۳ قانون بخش تعاونی، «مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار پس از پایان

سال مالی جهت انجام وظایف قانونی خود تشکیل می‌شود.»

این ماده در مورد سقف زمانی برای تشکیل جلسه مجمع عمومی عادی محدودیتی قایل نشده است. لذا چنانچه فرضاً سال مالی یک شرکت تعاونی اردیبهشت ماده باشد، لذا مجمع عمومی عادی می‌تواند تا اردیبهشت ماه سال بعد، تشکیل جلسه را به تعویق بیندازد که این موضوع در فعالیت شرکت تعاونی اخلاص ایجاد خواهد کرد.

در همین رابطه قانون شرکت‌های تعاونی (۱۳۵۰) دارای مقررات بهتری بود زیرا ماده ۳۲ این قانون مقرر می‌داشت:

«مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار ظرف شش ماه پس از پایان سال مالی شرکت تشکیل می‌شود و در موارد مقتضی می‌توان در هر موقع از سال مجمع عمومی عادی را به‌طور فوق‌العاده تشکیل داد.»

در ماده ۳۴ قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۱) وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح ذیل تعیین شده است:

■ انتخاب هیات مدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت دو سال

■ تصمیم‌گیری در مورد ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و سایر گزارشات مالی هیات مدیره

■ تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری

■ تصمیم‌گیری در مورد افزایش یا کاهش سرمایه

■ تصمیم‌گیری در مورد ذخایر قانونی و نحوه پرداخت سود به سهامداران

■ تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی شرکت

■ سایر وظایفی که قوانین و مقررات برعهده مجمع عمومی قرار می‌دهد.

اگرچه اکثر وظایف مقرر در ردیف‌های فوق شبیه به وظایف مجمع عمومی عادی سایر شرکت‌های تجاری می‌باشد لیکن ردیف آخر این وظایف مورد ایراد است زیرا شرکت‌های تعاونی قانون خاص خود یعنی همین قانون بخش تعاونی (۱۳۷۱) می‌باشد که ارجاع سایر وظایف مجمع عمومی عادی این شرکت‌ها به سایر قوانین و مقررات نمی‌تواند صحیح باشد.

به جز جلسات سالانه مجمع عمومی عادی مجمع عمومی شرکت‌های تعاونی می‌تواند در حالاتی به‌صورت فوق‌العاده تشکیل جلسه دهد. طبق ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی، موضوعاتی که مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کند عبارتند از:

■ تغییر اساسنامه

■ تصمیم‌گیری در مورد عزل یا قبول استعفای اعضای هیات مدیره

■ تصمیم‌گیری در مورد انحلال یا ادغام تعاونی برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده باشد حداقل یک سوم اعضای شرکت تعاونی و اکثریت مطلق اعضای هیات مدیره و یا بازرس یا بازرسان تقاضای کتبی بنمایند. حضور حداقل دو سوم اعضای مجمع عمومی برای رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده ضروری است.

طبق تبصره ۱ ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی در مورد شرکت‌های تعاونی دارای بیش از پانصد نفر

شرکت‌های تعاونی مقرر می‌داشت: «تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاه با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد.»

لذا شایسته است که برای تکمیل و شفاف‌سازی نظام حقوقی حاکم بر شرکت‌های تعاونی، با استفاده از قانون شرکت‌های تعاونی (مصوب ۱۳۵۰)، قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۱) تکمیل گردد و مقرراتی همچون تشریفات برگزاری مجمع عمومی و نصاب اعتبار مصوبات جلسات مجمع عمومی به قانون فعلی الحاق گردد.

■ وظایف هیات مدیره

هیات مدیره بعد از مجمع عمومی، دومین رکن عالی اداره شرکت‌های تعاونی است. وظایف و اختیارات هیات مدیره شرکت تعاونی طبق ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰) عبارتند از:

- دعوت مجمع عمومی (عادی - فوق‌العاده)
- اجرای اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی و سایر مقررات مربوطه
- نصب و عزل و قبول استعفا مدیر عامل و نظارت بر عملیات وی
- قبول درخواست عضویت و اخذ تصمیم نسبت به انتقال سهم اعضا به یکدیگر
- دریافت استعفای هر یک از اعضای هیات مدیره
- نظارت بر مخارج جاری تعاونی و رسیدگی به حساب‌ها و ارایه گزارش مالی و ترازنامه به مجمع عمومی

عضو چنانچه در نوبت اول نصاب دو سوم اعضا برای تشکیل جلسه به دست نیامد، در نوبت دوم حضور نصف به علاوه یک نفر از اعضا برای تشکیل جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده کفایت می‌کند.

هم‌چنین طبق تبصره ۲ همین ماده، چنانچه به درخواست اعضا، هیات مدیره شرکت‌های تعاونی ظرف مدت یک ماه نسبت به تشکیل جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام نکند، متقاضیان می‌توانند از طریق وزارت تعاون نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام کنند.

همان‌گونه که فوقاً اشاره گردید مقررات مربوط به مجمع عمومی به صورت بسیار اجمالی در قانون بخش تعاونی و کلاً در ۶ ماده بیان شده است لذا موضوعات بسیار زیادی در مورد این رکن عالی در اداره شرکت‌های تعاونی در این قانون مسکوت گذاشته شده است.

برای نمونه قانون بخش تعاونی هیچ‌گونه مقرراتی در مورد نصاب معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی پیش‌بینی نکرده است در صورتی که این موضع مهم به ورث شفاف قبلاً در قانون شرکت‌های تعاونی (مصوب ۱۳۵۰) پیش‌بینی شده است.

برای نمونه ماده ۳۵ قانون شرکت‌های تعاونی مقرر می‌داشت:

«تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت اعضا حاضر در مجمع اتخاذ می‌شود مگر در مورد انتخاب هیات مدیره و بازرسان که تصمیمات مجمع به اکثریت نسبی خواهد بود.»

هم‌چنین در مورد نصاب اعتبار مصوبات مجمع عمومی فوق‌العاده، تبصره ماده ۳۷ قانون

ایراد دیگر در حدود وظایف هیات مدیره مندرج در قانون بخش تعاونی اقتصاد، تعیین نماینده از بین اعضای تعاونی برای حضور در جلسات مجامع عمومی سایر شرکت‌ها و اتحادیه‌ها است. در صورتی که این موضوع بهتر است به لحاظ اهمیت، جزو وظایف مجمع عمومی شرکت تعاونی قرار گیرد. طبق تبصره ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد، هیات مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آرا به مدیر عامل تفویض نماید.

بهتر بود به منظور حفظ حقوق کلیه سهامداران شرکت تعاونی، از فهرست وظایف و اختیارات هیات مدیره، آن دسته از وظایف و اختیارات غیرقابل واگذاری به مدیرعامل، در این ماده تصریح می‌گردید، زیرا وظایفی همچون نظارت بر مدیرعامل و نصب و عزل وی و نظارت بر عملیات مالی شرکت، از جمله اموری است که حتی با تایید ۱۰۰ درصد اعضای هیات مدیره قابل واگذاری به مدیرعامل نمی‌باشد.

طبق ماده ۳۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد هیات مدیره شرکت تعاونی باید حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضای اصلی عضو علی‌البدل داشته باشد.

در همین ماده در مورد تعداد اعضای هیات مدیره شرکت‌های بزرگ آمده است:

(تعاونی‌های بزرگ در مقابل افزایش هر چهار صد نفر یک نفر می‌تواند به اعضای اصلی هیات مدیره و یک نفر به اعضای علی‌البدل بیافزاید مشروط بر این‌که تعداد از پانزده نفر بیشتر نشود.)

عبارت فوق نامفهوم است زیرا بدون تعیین

تهیه و تنظیم طرح‌ها و برنامه‌ها و بودجه و ارایه به مجمع عمومی

تعیین نماینده برای حضور در جلسات مجامع شرکت‌ها و اتحادیه‌هایی که شرکت تعاونی در آن‌ها مشارکت دارد.

تهیه و تنظیم دستورالعمل‌های داخلی تعاونی و تقویم به مجمع عمومی برای تصویب

تعیین نماینده یا وکیل در دادگاه‌ها و مراجع قانونی

تعیین و معرفی صاحبان امضای مجاز برای قراردادهای و اسناد تعهدآور قانونی.

برخی از وظایف و اختیارات فوق‌الذکر هیات مدیره در شرکت‌های تعاونی فراتر از وظایف قانونی آن است. برای نمونه در ردیف ۴ فوق قبول درخواست عضویت و تصمیم‌گیری در مورد نقل و انتقال سهام، باید در صلاحیت مجمع عمومی شرکت تعاونی که نمایندگی کلیه صاحبان سرمایه را به عهده دارد باشد و نه هیات مدیره شرکت.

همچنین طبق ردیف ۵ فوق، «دریافت استعفای هر یک از اعضای هیات مدیره» جزو وظایف و اختیارات هیات مدیره قرار داده شده است. در صورتی که طبق ماده ۳۴ همین قانون انتصاب اعضای هیات مدیره توسط مجمع عمومی صورت می‌گیرد طبعاً تقاضای استعفای هر یک از آن‌ها نیز باید به همین رکن تسلیم شود.

مضافاً این‌که استعفای هر یک از اعضای هیات مدیره ممکن است در اعتراض به عملکرد سایر اعضا باشد. لذا تسلیم این استعفا به همان مرجع از لحاظ اجرایی و مدیریتی به مصلحت شرکت نمی‌باشد.

کسب آرا توسط اعضای اصلی و علی‌البدل مجمع عمومی و حفظ این صورت جلسه در مکان امن برای استفاده و استناد حقوقی در این چنین مواقعی ضروری می‌گردد.

طبق ماده ۳۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد برای تصدی مسؤولیت در هیات مدیره هم‌چنین مدیرعامل و بازرسی شرکت‌های تعاونی احراز شرایط زیر ضروری است.

■ اطلاعات یا تجربه لازم برای انجام وظایف متناسب با تعاونی

■ ایمان و تعهد و التزام عملی به اسلام

■ عدم سوءسابقه مالی و یا محکومیت در دادگاه‌های اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی

■ عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرایم برضد امنیت و جعل اسناد

■ عدم اشتها به فساد اخلاقی و مالی

در قانون بخش تعاونی اقتصاد (مصوب ۱۳۷۰) فقط مواد ۳۶ لغایت ۳۹ به موضوعات مربوط به هیات مدیره شرکت‌های تعاونی اختصاص یافته است. لیکن با توجه به اهمیت نهاد هیات مدیره به‌عنوان دومین رکن عالی اداره شرکت‌های تعاونی لازم است کلیه موضوعات مرتبط با فعالیت هیات مدیره با تفصیل بیشتر در قانون پیش‌بینی می‌گردد.

البته در قانون سابق شرکت‌های تعاونی (مصوب ۱۳۵۰) با همین نگرش مقررات مفصلی از مواد ۳۹ لغایت ۵۳ به موضوعات مربوط به هیات مدیره شرکت‌های تعاونی اختصاص یافته بود.

بهرتر است با استفاده از مواد مزبور کمبودهای قانون جاری مربوط به بخش تعاونی مرتفع گردد.

نصابی برای اعمال مقررات صدر ماده یعنی حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر عبارت «در مقابل هر چهارصد نفر» را آورده است لذا بهتر است به جای عبارت مبهم فوق عبارت زیر درج می‌گردد:

«شرکت‌های تعاونی که دارای حداقل پانصد عضو باشند می‌توانند حداکثر ۱۵ عضو اصلی و ۵ عضو علی‌البدل داشته باشند.»

تعیین نصاب پانصد نفر به این دلیل پیشنهاد می‌گردد که در تبصره ماده ۳۵ همین قانون نصاب خاصی برای تصمیم‌گیری در مجمع عمومی شرکت‌های تعاونی با بیش از پانصد نفر عضو پیش‌بینی شده است. لذا بهتر است به منظور هماهنگ‌سازی مقررات همین نصاب در مورد هیات مدیره نیز رعایت شود.

طبق تبصره ۱ ماده ۳۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد، مجمع عمومی شرکت تعاونی، با اکثریت مطلق آرا اعضای اصلی علی‌البدل هیات مدیره را انتخاب خواهد کرد و چنانچه در دوره اول رای‌گیری همه یا تعدادی از اعضا حایز اکثریت مطلق نگردند بلافاصله از بین دارندگان بیشترین آرا به تعداد دو برابر مورد نیاز رای‌گیری مجدد برگزار خواهد شد و با اکثریت نسبی اعضای اصلی و علی‌البدل انتخاب خواهند شد.

طبق تبصره ۳ ماده ۳۶ همین قانون چنانچه یکی از اعضای اصلی به دلایلی از جمله استعفا، فوت ممنوعیت قانونی یا غیبت غیرموجه قادر به ادامه وظیفه نباشد، از بین اعضای علی‌البدل به ترتیب بیشترین آرا به‌صورت خودکار جایگزین نفرات قبلی خواهند شد.

به همین دلیل تهیه صورت جلسه دقیق از ترتیب

برای نمونه ماده ۵۱ قانون شرکتهای تعاونی (مصوب ۱۳۵۰) مقرر می‌داشت: «هیچ یک از اعضای هیات مدیره یا بازرسان و یا مدیرعامل یک شرکت تعاونی نمی‌تواند عضویت هیات مدیره یا مدیریت عامل و یا سمت بازرس شرکت تعاونی دیگری از همان نوع را قبول کند.»

نقش مدیرعامل در شرکتهای تعاونی در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰) بسیار کم‌رنگ دیده شده است. در صورتی که شرکتهای تعاونی به‌عنوان یکی از انواع شرکتهای تجاری وابستگی زیادی به نحوه عملکرد مدیران عامل‌شان دارند.

تنها دو ماده از قانون بخش تعاونی به مقررات مربوط به مدیرعامل اشاره دارد. در ماده ۳۸ قانون مزبور برای تصدی سمت مدیرعاملی همچون سمت‌های عضویت هیات مدیره و بازرس احراز شرایط زیر الزامی دانسته است.

■ داشتن شرایط عضویت (مقرر در ماده ۹ قانون مزبور)

■ داشتن اطلاعات یا تجربه لازم برای انجام وظایف متناسب با فعالیت همان تعاونی

■ داشتن ایمان و تعهد و التزام عملی به اسلام

■ عدم سوسابقه مالی و یا محکومیت در دادگاه‌های اجرای ۴۹ قانون اساسی

■ عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرایم برضد امنیت و جعل اسناد

■ عدم اشتها به فساد اخلاقی و مالی

صرف‌نظر از ایرادات وارده به برخی از ضوابط فوق از جمله ردیف‌های ۳ و ۶ که معیار مشخصی برای احراز آن‌ها وجود ندارد تبصره ماده مزبور

مقرر می‌دارد:

«در مواردی که مدیرعامل از خارج انتخاب می‌شود داشتن شرایط بندهای ۴ و ۵ ماده ۹ الزامی نیست.»

ماده ۹ قانون مزبور ۵ شرط عضویت در شرکتهای تعاونی را پیش‌بینی کرده است که بندهای ۴ و ۵ آن مربوط به درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی و عدم عضویت در تعاونی مشابه می‌گردد.

لذا در مواردی که مدیرعامل شرکتهای تعاونی از خارج از اعضا انتخاب شود رعایت بندهای ۴ و ۵ ماده ۹ لازم نخواهد بود.

طبق ماده ۳۹ قانون فوق‌الذکر هیات مدیره شرکت تعاونی مکلف است به محض انتخاب توسط مجمع عمومی فردی را به مدت ۲ سال برای مدیرعاملی تعاونی و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیات مدیره به‌عنوان مدیرعامل انتخاب کند. مدیرعامل زیرنظر هیات مدیره شرکت فعالیت کرده و حدود وظایف و اختیارات و حقوق و مزایای وی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد هیات مدیره به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید.

طبق ماده ۲۹ قانون فوق‌الذکر بازرس رکن سوم اداره شرکتهای تعاونی بوده که به موازات مجمع عمومی و هیات مدیره فعالیت می‌کند.

طبق ماده ۳۴، وظیفه انتخاب بازرس به عهده مجمع عمومی می‌باشد و دوره مأموریت بازرس دو سال بوده که قابل تمدید است. شرط تصدی این سمت همان ۶ شرط مقرر برای اعضای هیات مدیره و مدیرعامل به شرح فوق می‌باشد. تبصره

۱ ماده ۴۰ مقرر می‌دارد:

«در صورت فوت یا ممنوعیت قانونی و یا استعفای بازررس یا بازرسان اصلی، هیات مدیره مکلف است ظرف ده روز بازررس یا بازرسان علی‌البدل را به ترتیب اولویت آرا برای بقیه مدت دعوت نماید.»

هیچ یک از مواد قانون بخش تعاونی به لزوم تعیین بازررس علی‌البدل توسط مجمع عمومی تصریح ندارد لیکن از تبصره ۱ ماده ۴۰ به شرح فوق این چنین می‌توان استنباط کرد که با توجه به نقش حساب بازررس فعالیت شرکت تعاونی به منظور جلوگیری از هرگونه وقفه یا در حضور بازررس ضرورت دارد که مجمع عمومی هم‌زمان با انتصاب بازررس علی‌البدل را نیز برای شرکت تعاونی انتخاب نماید.

وظایف بازررس طبق ماده ۴۱ به شرح ذیل می‌باشد:

- نظارت مستمر بر انطباق نحوه اداره امور تعاونی و عملیات و معاملات آن با اساسنامه و قوانین و مقررات‌های ذیربط
- رسیدگی به حساب‌ها، دفاتر، اسناد، صورت‌های مالی از قبیل ترازنامه شرکت و بودجه پیشنهادی و گزارش‌های هیات مدیره به مجمع عمومی
- رسیدگی به شکایت اعضا و ارایه گزارش به مجمع عمومی و مراجع ذیربط
- تذکر کتبی موجود در نحوه اداره امور تعاونی به هیات مدیره و مدیرعامل هم‌چنین تبصره ماده ۴۱ مقرر می‌دارد:

«بازررس یا بازرسان حق دخالت مستقیم در اداره امور تعاونی را نداشته، ولی می‌توانند بدون حق رای در جلسات هیات مدیره شرکت کنند و نظرات خود

را نسبت به مسایل جاری تعاونی اظهار دارند.» همان گونه که قبلاً اشاره شد قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۰) دارای ساختار ضعیفی است بسیاری از موضوعات مهم مرتبط با فعالیت شرکت‌های تعاونی که در سایر قوانین قبلاً دیده شده در تنظیم این قانون نادیده گرفته شده است.

برای نمونه در ماده ۵۹ قانون شرکت‌های تعاونی (مصوب ۱۳۵۰) در مورد معاملات اعضا هیات مدیره و بازرسان با شرکت آمده است:

«معاملات شرکت با هر یک از اعضای هیات مدیره یا بازرسان تابع مقررات و ضوابطی خواهد بود که به تصویب مجمع عمومی شرکت برسد.» این شرط مهم در قانون بخش تعاونی (۱۳۷۰) مشاهده نمی‌شود.

هم‌چنین نظر به این که شرکت تعاونی یکی از اقسام شرکت‌های تجاری محسوب می‌شود لذا ضرورت دارد مقررات مربوط به این شرکت مگر در مواردی که با توجه به ماهیت تعاونی‌های مستلزم پیروی از مقررات خاصی است با مقررات قانون تجارت هماهنگ گردد.

برای نمونه در بحث مربوط به بازررس قانونی شرکت تعاونی در ماده ۱۵۱ لایحه اصلاح قانون تجارت آمده است: «بازررس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام ماموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیت‌دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهد.»

لذا مشاهده می‌شود که نقش بازررس در

به مجمع عمومی محدود کرده است: «در صورتی که بازرس یا بازرسان تشخیص دهند که هیات مدیره و یا مدیرعامل در انجام وظایف محوله مرتکب تخلفاتی گردیده است و به تذکرات آنان ترتیب اثر نمی‌دهند باید موضوع را به مجمع عمومی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم لازم گزارش دهند.»

شرکت‌های تجاری صرفاً نظارت داخلی نبوده بلکه وظیفه نظارت بر اجرای قوانین و مقررات را نیز دارد و در صورت مشاهده ارتکاب جرمی توسط اعضای هیات مدیره یا مدیرعامل موظف است مراتب را به مراجع قضایی منعکس کند. در صورتی که در ماده ۴۲ قانون بخش تعاونی به شرح ذیل وظیفه بازرس را به گزارش بروز تخلف

